

مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای
سال دوم، شماره هشتم، بهار ۱۳۹۰
دریافت: ۱۳۸۸/۱۱/۱۰ - پذیرش: ۱۳۸۹/۷/۱۶
صص ۷۷-۹۴

تحلیلی بر مهاجرت‌های روستایی - شهری با تاکید بر نقش مسافت و دسترسی (مورد: شهرستان ممسنی)

ژیلا سجادی: استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
عیسی ابراهیم‌زاده: دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران
علی شمس‌الدینی: دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران*

چکیده

نادیده گرفتن روستاها در فرایند اجرای برنامه‌های توسعه، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، سبب بروز تفاوت‌ها و دوگانگی‌های چشمگیر اقتصادی و اجتماعی بین جوامع شهری و روستایی گردیده است. محرومیت و فقر ناشی از چنین روندی، روستاییان را وادار نموده که برای بهبود شرایط اقتصادی - اجتماعی و رفاه زندگی خود از روستاها به دیگر کانونهای سکونتگاهی، به ویژه شهرها مهاجرت نمایند. این جابه‌جایی‌ها که با انگیزه‌های مختلفی صورت گرفته است، در شهرهای کوچک، همچون نورآباد توانسته است موجبات رضایتمندی مهاجران را فراهم آورد. این پژوهش با هدف پی‌بردن به علل مهاجرت و چگونگی نقش دسترسی و مسافت (دو مفهوم بنیادی تحلیل مکانی) از شهر نورآباد در این مهاجرت‌ها صورت گرفته است. روش تحقیق تحلیلی و توصیفی بوده و با توجه به ماهیت موضوع مورد مطالعه با نگرشی رفتاری - فضایی دنبال شده است. جمع‌آوری اطلاعات با اتکا بر مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی انجام گرفته است. یافته‌های تحقیق علاوه بر اینکه نمایانگر رابطه بین کمبود خدمات به عنوان انگیزه عمده در مهاجرت‌فرستی روستاهای مورد مطالعه است، بلکه نقش مؤثر فاصله دسترسی از شهر را در کمبود خدمات روستایی و نتیجتاً مهاجرت محرز می‌سازد.

واژه‌های کلیدی: روستا، مهاجرت روستایی، فاصله، دسترسی، خدمات، ممسنی

۱- مقدمه

۱-۱- طرح مساله

تداوم مهاجرت‌های بی‌رویه روستاییان کشور را می‌توان شاخصی در فقدان نگرشی ناحیه‌ای در فضایی فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی در برنامه‌ریزی توسعه کشور تلقی نمود. اعمال سیاست‌های تمرکزگرایانه در مکان‌گزینی این فعالیت‌ها، از یک سو عامل تمرکز خدمات و تسهیلات رفاهی - معیشتی مختلف در شهرها گردیده و از سوی دیگر محرومیت و فقر مناطق روستایی را به دنبال داشته است. تداوم این روند نابرابر، سبب شکاف و دوگانگی چشمگیر بین شهر و روستا شده و آنها را به قطب‌های جاذب و دافع جمعیتی تبدیل نموده است (سجادی و همکاران، ۱۳۸۱: ۱۳۴). به گونه‌ای که تلقی روستاها به عنوان کانون‌های ناامن و محروم از نظر اقتصادی و اجتماعی؛ به تشدید انگیزه‌های مهاجرتی در روستاییان به امید برخورداری از حداقل امکانات در شهرها حتی در شهرهای کوچک و روستا - شهرهایی که از زمان کسب هویت شهری شدن آنها چندی نمی‌گذرد، منجر شده است.

بنابراین، مهاجرت تحت عنوان یک فرایند می‌تواند ناشی از تنگناهایی باشد که قسمتی از آن به ویژگی‌های وضعیت محلی و قسمتی دیگر با فرصت‌های شغلی و تسهیلات آموزشی - بهداشتی که مراکز شهری عرضه می‌دارند، بستگی داشته باشد (ازکیا، ۱۳۸۴: ۹۳) و خانوارهای روستایی به دنبال کاهش و یا افزایش درآمد خویش به تبعیت از وابستگی اقتصادی و سیاسی روستا به شهر و نیز آگاهی از فرصت‌های شغلی - اجتماعی موجود در شهرها، به همراه برخورداری و

استفاده سریعتر از این تسهیلات رفاهی - معیشتی با توجه به دوری و نزدیکی روستاها به مراکز شهری به سوی این کانون‌ها مهاجرت کرده، عموماً با دست‌یابی به رفاه اجتماعی نسبی برای همیشه در این سکونتگاه‌ها ماندگار می‌شوند. پس؛ «در پی گسترش ارتباطات روستا - شهری و افزایش تماس میان ساکنان این دو کانون سکونتگاهی، روستاییان با نیازهای جدید اقتصادی و فرهنگی روبه‌رو می‌شوند» (مجتهد - زاده، ۱۳۷۷: ۱۲)، که این نیازهای اجتماعی - اقتصادی در اغلب موارد در محیط‌های روستایی برآورده نمی‌گردد. از این رو گونه‌ای، از عدم تعادل و برابری میان جوامع روستایی و شهری ایجاد می‌شود که در آن روستاییان در راستای برآوردن نیازمندی‌های معیشتی - رفاهی خود به شهرها مهاجرت می‌کنند (قاسمی‌اردهایی، ۱۳۸۵: ۵۷).

شدت این چنین روستاگریزی و فرار از محرومیت را به روشنی از افزایش تعداد نقاط روستایی که از نرخ رشد منفی جمعیت برخوردار بوده‌اند، می‌توان استنباط نمود. افزایش تعداد استان‌های کشور که با نرخ رشد منفی جمعیت نقاط روستایی روبه‌رو بوده‌اند، از ۱۱ استان در سال ۱۳۷۵ به ۲۵ استان در سال ۱۳۸۵ مؤید این ادعاست (مرکز آمار ایران، ۸۵ - ۱۳۷۵). همچنین میانگین ۹۷- درصد و دامنه تغییرات از (۲- تا ۲/۷۸- درصد) نرخ رشد جمعیت این استان‌ها تردیدی در شدت روستاگریزی ساکنان مناطق روستایی در کشور برجای نمی‌گذارد که این مهم باید از جمله نگرانی‌های بسیار جدی - حتی در صورت تأکید بر اهمیت شهرنشینی در امر توسعه - برای برنامه‌ریزان و مدیران کشور تلقی گردد.

محیطی، آلودگی‌ناشی، فقر، محرومیت و بروز انواع کج‌رویه‌ها و نابهنجاریهای اجتماعی - فرهنگی در بسیاری از شهرهای کشور شده است.

در این راستا؛ افزایش جمعیت شهری کشور از ۳۱/۴ درصد در سال ۱۳۳۵، به ۶۹/۶ درصد در سال ۱۳۸۵ و به دنبال آن، کاهش جمعیت روستانشین کشور از ۶۸/۶ درصد در سال ۱۳۳۵، به ۳۰/۴ درصد در سال ۱۳۸۵ نشان دهنده نرخ بالای مهاجرت روستا - شهری در نظام سکونتگاهی کشور است (جدول شماره ۱).

از مهمترین پیامدهای فرایند روستاگریزی در سطوح متفاوت محلی، ناحیه‌ای و ملی افزایش جمعیت شهرها، گسترش فرایند شهرنشینی و ظهور شهرهای چند میلیونی در کشور بدون توجه به سازوکارهای حاکم بر نظام برنامه‌ریزی و همچنین توجه به ظرفیتهای، توانمندیها و مجموعه زیرساختهای خدماتی - رفاهی موجود در شهرهاست. که این مهاجرت بی‌رویه روستا- شهری علاوه بر ازم گسیختگی شبکه شهری، سبب‌ساز بروز بحران‌های اشتغال، بیکاری، کمبود امکانات، ازدحام، آلودگی‌های

جدول شماره ۱- جمعیت کل شهری، درصد، نرخ رشد و تعداد شهرها در هفت دوره سرشماری (۱۳۳۵-۸۵)

ردیف	سال	جمعیت کل	شهری	درصد	نرخ رشد	روستایی	درصد	نرخ رشد
۱	۱۳۳۵	۱۸۹۵۴۷۰۴	۵۵۹۷۱۶۱	۳۱/۴	-	۱۳۰۰۱۱۴۱	۶۸/۶	-
۲	۱۳۴۵	۲۵۰۷۸۹۲۳	۹۷۱۴۶۱۲	۳۹	۴/۹۴	۱۵۹۹۴۴۷۶	۶۱	-۶/۶
۳	۱۳۵۵	۳۳۷۰۸۷۴۴	۱۵۸۵۴۶۸۰	۴۷	۵/۰۲	۱۷۸۵۴۰۶۴	۵۳	-۹
۴	۱۳۶۵	۴۹۴۴۵۰۹۱	۲۶۹۵۲۸۹۴	۵۴/۳	۵/۴۵	۲۲۳۴۹۳۵۱	۴۵/۷	-۷/۲
۵	۱۳۷۰	۵۵۸۳۷۰۰۰	۳۱۸۳۶۵۹۸	۵۷	۳/۳۹	۲۴۹۷۲۶۶۰	۴۳	-۲/۴
۶	۱۳۷۵	۶۰۰۵۵۵۱۹	۳۶۸۰۸۴۰۰	۶۱/۳	۲/۹۴	۲۳۲۳۷۴۸۸	۳۸/۷	-۴/۷
۷	۱۳۸۵	۶۹۲۸۶۹۱۳	۴۸۲۴۲۷۹۷	۶۹/۶	۲/۷۴	۲۱۰۴۴۱۱۶	۳۰/۴	

مأخذ: استخراج از داده‌های آماری سرشماری نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۳۵-۸۵

محرومیت و نداشتن زمین مناسب کشت برای بسیاری از روستانشینان خود عاملی مهم جهت فراهم آوردن زمینه مهاجرت‌های فردی و خانوادگی روستاییان به سمت شهرها و افزایش نرخ رشد جمعیت شهرهای کشور شد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز تا سال ۷۰ به دلیل بروز جنگ تحمیلی و تخریب بسیاری از روستاهای غرب کشور، سیاست‌های حمایتی و مشوقی دولت در ارایه زمین شهری و تسهیلات آموزشی - بهداشتی به متقاضیان زندگی در شهرها، افزایش موالید

چنانکه در جدول فوق مشاهده می‌شود، طی دهه - های اخیر، به ویژه از زمان اصلاحات ارضی (۱۳۴۱) تا سال ۱۳۶۵ با سیر صعودی افزایش جمعیت شهری و کاهش جمعیت روستایی در کشور روبه‌رو بوده‌ایم، که این افزایش در زمان قبل از انقلاب معلول سیاست های کلی سیستم برنامه‌ریزی و مدیریت کشور در چارچوب شهرگرایی و صنعتی‌نمودن کشور به همراه آزاد شدن نیروهای مردمی روستایی از قالب نظام ارباب - رعیتی؛ توأم با افزایش بیکاری‌ها، فقر،

و جمعیت در روستاها و در پی آن، بالارفتن نرخ بیکاری و فقر، وقوع خشکسالی؛ به همراه افزایش ارتباطات روستا - شهری و در نتیجه، افزایش آگاهی روستانشینان از مزایای زندگی شهری که با تجمع امکانات اجتماعی - اقتصادی و رفاهی - معیشتی در این کانونها همراه بود؛ خود عاملی مهم در گسترش جریان های مهاجرتی روستاییان به سمت شهرها و بالارفتن جمعیت شهرهای کشور طی دهه اول بعد از انقلاب گردید.

این افزایش صعودی نرخ رشد جمعیت شهری کشور در دهه ۸۵-۷۵ با سطحی نازلتر از روندهای پیشین، (علی رغم افزایش تعداد شهرهای کشور از ۶۱۲ کانون جمعیتی در سال ۷۵ به ۱۰۱۳ کانون در سال ۱۳۸۵) به نرخ ۲/۷ تنزل یافته است. که این بیشتر معلول کنترل مولید و پایین آمدن نرخ زادوولد جمعیت در مراکز شهری و روستایی کشور، اجرای سیاستهای حمایتی دولت در قالب برنامه‌های کلان اجتماعی - اقتصادی و کالبدی در روستاها و ایجاد ثبات نسبی در شرایط زندگی روستانشینان کشور، کاهش مهاجرت‌های فردی روستایی به همراه تغییر در تفکر مردم همگام با سخت شدن شرایط زندگی در شهرها موجب کاهش نرخ رشد جمعیت شهری کشور در دهه ۸۵-۷۵ نسبت به دهه‌های قبل تر شده است.

الگوی مشابه وضعیت مهاجرفرستی و گسترش جمعیت شهری در بالا در سطوح پایین تر از سطح ملی نیز یافت می‌شود. مهاجرت‌های فردی و خانوادگی روستاییان شهرستان نورآباد ممسنی، نمونه بارزی

جهت این ادعاست؛ به طوری که در سال ۱۳۸۵ از تعداد ۳۵ روستایی که مبدأ مهاجرت جامعه مورد پرسشگری این تحقیق بوده‌اند؛ ۲۷ روستا (۷۷ درصد) دارای نرخ رشد منفی با دامنه تغییرات بین ۰/۷ - الی ۷/۳۹- درصد بوده‌اند. همچنین از تعداد ۸ روستایی که دارای نرخ رشد مثبت بوده‌اند، فقط روستای «آهنگری» به دلیل مرکزیت دهستان از نرخ نسبتاً بالایی (۶/۳) برخوردار بوده است و بقیه نرخ رشدی بین ۱/۳/ الی ۰/۷ درصد داشته‌اند. ازاین‌رو، مشاهده می‌گردد که در شهرستان ممسنی تداوم مهاجرت‌های روستایی در طی زمان موجبات افزایش جمعیت شهر نورآباد (مرکز شهرستان) را از ۱۰۰۰ نفر در سال ۱۳۳۵ به ۵۱۶۶۸ نفر در سال ۱۳۸۵ فراهم نموده است.

در حقیقت، نادیده گرفتن روستاها در برنامه‌های توسعه و به تبع آن کمبود خدمات و امکانات و همچنین فقدان سلسله‌مراتبی منظم سکونتگاهی که تسهیل کننده امر خدمات‌رسانی به روستاهاست، پیامدی جز محرومیت، عدم امنیت اقتصادی - اجتماعی و در نتیجه روستاگریزی نداشته و بدیهی است که در چنین شرایطی، روستاهایی که با فاصله بیشتری از مراکز شهری قرار دارند و از دسترسی مناسبتری نیز برخوردار نیستند، تنها راه احساس امنیت را در مهاجرت به شهرها می‌دانند. این در حالی است که اکثر این مهاجران به تبع پایگاه اجتماعی و اقتصادی خود در زمره محرومترین اقشار شهری تلقی می‌شوند. ازاین‌رو، مقاله حاضر با هدف پی‌بردن به

نقش فاصله و دسترسی به خدمات شهری در افزایش مهاجرت‌های روستایی در محدوده شهرستان ممسنی انجام گرفته است.

۲-۱- اهمیت و ضرورت

مهاجرت بی‌رویه از روستا به شهر، به یکی از مشکلات مهم در نقاط روستایی و شهری تبدیل شده است، زیرا عواقب جبران ناپذیر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به دنبال دارد؛ به طوری که امروزه اکثر صاحب نظران پاسخ مشکلات مربوط به خالی شدن روستاها از جمعیت‌های انسانی فعال و به تبع آن سالخوردگی و زنانه شدن نیروی کار و رکود در اقتصاد کشاورزی کشور (رضایان، ۱۳۸۰)؛ و همچنین حاشیه‌نشینی و ازدحام بیش از اندازه شهرها و فشار بر منابع و امکانات محدود جوامع شهری را در افزایش مهاجرت‌های روستایی به دلیل توسعه‌نا یافتگی این کانون‌های زیستی می‌دانند (پیتیه، ۱۳۶۹).

در این میان؛ که در سطوح بین‌الملل و در نواحی کلان شهری کشور شاهد نوعی درهم‌تنیدگی وسیع شبکه‌های اطلاعات و ارتباطات و بالطبع فشرده شدن زمان و مکان هستیم، در ناحیه مورد مطالعه پژوهش به دلیل ضعف در شبکه سلسله مراتب سکونتگاهی و ناهمگونی در نظام خدمات رسانی اجتماعی - اقتصادی عامل فاصله و دسترسی موجب بروز جریان‌های مهاجرتی از روستاها به سمت مراکز شهری شده است. که لازم آمد به این مهم در منطقه به طور علمی و دقیق پرداخته شود. از این‌رو پرداختن به

پدیده مهاجرت هم از بعد مهاجرت‌فرستی و هم مهاجرت‌پذیری نواحی روستایی و بررسی علل، چگونگی و راهکارهای مربوط به آن، ضروری است.

۳-۱- اهداف پژوهش

با توجه به اینکه اکثر روستاها در ایران از امکانات زیستی - رفاهی لازم برای زندگی برخوردار نیستند و همین امر باعث می‌شود روستانشینان دست به مهاجرت زده، به مکان‌هایی که دارای امکانات جاذبه‌های اقتصادی - فرهنگی لازم هستند؛ مهاجرت کنند، در این راستا، روستاهایی که در نزدیکی شهرها واقع شده‌اند، نه تنها به راحتی می‌توانند از امکانات شهری استفاده کنند، بلکه خود نیز به دلیل عامل نزدیکی به مراکز شهری جمعیتی را نیز به خود جذب کرده، به دلیل داشتن جمعیت نسبتاً زیاد، امکانات دیگری نیز به این مناطق داده می‌شود. در نتیجه روستاهایی که فاصله زیادی از شهر دارند، کم‌کم جمعیتشان را بر اثر مهاجرت به شهر در جهت استفاده از این خدمات از دست می‌دهند. پس با توجه به اهمیت و حساسیت موضوع مهاجرت‌های روستایی بی- برنامه و روند رو به رشد آن به شهرها و خالی شدن جمعیت جوان و فعال نواحی روستایی، هدف از این تحقیق، شناسایی و بررسی عوامل مؤثر در مهاجرت‌های روستایی شهرستان ممسنی و پی‌بردن به چگونگی عوامل فاصله، دسترسی و خدمات در کاهش و یا افزایش این حرکات جمعیتی است.

۴-۱- پیشینه پژوهش

مهاجرت روستاییان به شهر، علل، چرایی و چگونگی انجام آن از موضوعهای محوری علوم انسانی و اجتماعی است که در پیوند با آن دیدگاه‌ها و نظریه‌های مختلفی وجود دارد که هر کدام از زوایای متفاوت به این پدیده نگرسته‌اند. در این زمینه، اندیشمندان با طرح مکاتب کارکردگرایی، وابستگی، اقتصاد دوگانه و ... (لهسایی زاده: ۱۳۶۸) رویکردهایی همچون جاذبه مقصد - دافعه مبدأ (تودارو، ۱۳۶۷)، محرومیت نسبی (Massey, 1990)، سرمایه انسانی (ارشاد، ۱۳۸۰)، ویژگیهای شخصی؛ تجربه اقامتی (زنجانی، ۱۳۸۰) و شبکه مهاجرتی (Curran and Rivero-Fuentes, 2003) و ... را مهمترین عوامل مؤثر در مهاجرت افراد از روستا به شهر دانسته‌اند.

در همین راستا، در کشور مبحث مهاجرت و علل انجام آن به فراوانی مطالعه، بررسی و تحلیل شده است. و آنچه کمتر بدان پرداخته شده و موضوع این پژوهش نیز هست، تأثیرگذاری عوامل مکانی «مسافت» و «دسترسی» دو مفهوم بنیادی زوال فاصله در چرایی و چگونگی مهاجرت افراد از روستا به شهر است. هرچند در مطالعات ناحیه‌ای و پژوهش‌های دانشگاهی مربوط به شبکه شهرنشینی و روابط و پیوندهای روستایی - شهری تا حدودی به این موضوع اشاره شده است ولی باز هم مهاجرت و حرکات جمعیتی «فصلی» حاشیه‌ای در این تحقیقات بوده است.

۵-۱- سؤال‌ها و فرضیه‌ها

۱-۵-۱- علل اصلی مهاجرت به شهر نورآباد در نواحی روستایی شهرستان ممسنی چیست؟
 ۲-۵-۱- آیا بین مهاجرت روستاییان مورد مطالعه به نورآباد و عوامل مکانی فاصله و دسترسی به شهر رابطه‌ای وجود دارد؟
 ۳-۵-۱- کمبود خدمات غالبترین انگیزه مهاجران نمونه به شهر نورآباد بوده است.
 ۴-۵-۱- بین محرومیت خدماتی روستاهای مبدأ با فاصله و دسترسی آنها از شهر رابطه معنی داری وجود دارد.

۶-۱- روش تحقیق

این تحقیق با توجه به ماهیت موضوعی آن با نگرشی رفتاری - فضایی، با هدف پی‌بردن به علل مهاجرت‌های روستایی در محدوده شهرستان ممسنی و چگونگی نقش مسافت و دسترسی از شهر نورآباد در این مهاجرتها دنبال شده است. در این پژوهش که تحقیقی بنیادی - کاربردی است، روش مطالعه در آن از نوع توصیفی - تحلیلی با تکیه بر اطلاعات جمع‌آوری شده کتابخانه‌ای و میدانی است. این تحقیق ضمن بررسی دلایل و انگیزه‌هایی که مهاجران را وادار به ترک زادگاهشان به مقصد نورآباد نموده است، درصد یافتن علل محرومیت‌های مکانی - فضایی که سبب تشدید این مهاجرتها در مبدأ مهاجرین گشته نیز می‌باشد. در این راستا اطلاعات پیرامون مسافت،

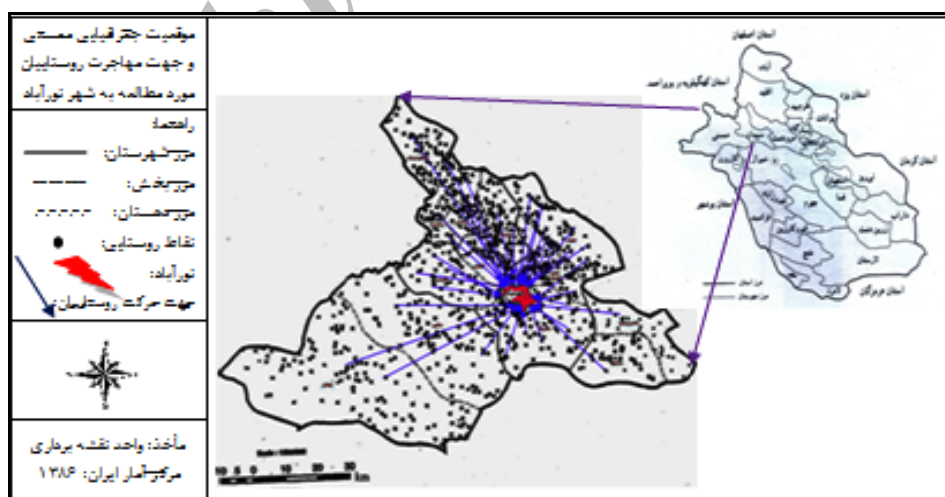
نهایت با شناخت مبدأ روستایی این مهاجرت‌ها و بررسی مشخصات اجتماعی - اقتصادی و طبیعی این روستاهای مبدأ کوچ و نیز با دست یازیدن به اطلاعات دریافتی از سوی مهاجران روستایی ساکن در شهر با استفاده از شیوه‌های آماری به تجزیه و تحلیل یافته‌ها پرداخته‌ایم.

۱-۷- قلمرو پژوهش

محدوده مورد مطالعه شهرستان ممسنی به مرکزیت شهر نورآباد از توابع استان فارس است که در سال ۱۳۸۵ دارای ۴ بخش، ۱۳ دهستان و در مجموع (۶۱۴ آبادی با ۱۶۲۶۹۴ نفر جمعیت و ۳۵۱۴۵ خانوار روستایی است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). (نقشه شماره ۱).

دسترسی و خدمات مبادی مهاجران جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل شده است.

چارچوب مکانی این پژوهش محدوده سیاسی شهرستان ممسنی است و جامعه آماری مورد پرسشگری در این پژوهش، شامل سرپرستان خانوارهای مهاجری است که طی دهه‌های اخیر به نورآباد مهاجرت کرده‌اند. برای برآوردی واقع‌بینانه از حجم خانوارها برحسب صفت آماری مورد مطالعه تمایل و عدم تمایل بازگشت به روستاهای مبدأ، ابتدا به انتخاب نمونه‌های راهنما (Pilot Sample) به شکل کاملاً تصادفی مبادرت شده است. و با در نظر گرفتن سطح اطمینان ۹۵٪ حجم خانوارهای نمونه ۷۰ تعیین گردیده و سپس با روش نمونه‌گیری تصادفی از مهاجرین ساکن در محلات مختلف شهر نورآباد ۷۰ خانوار مهاجر مورد پرسشگری قرار گرفته‌اند. در



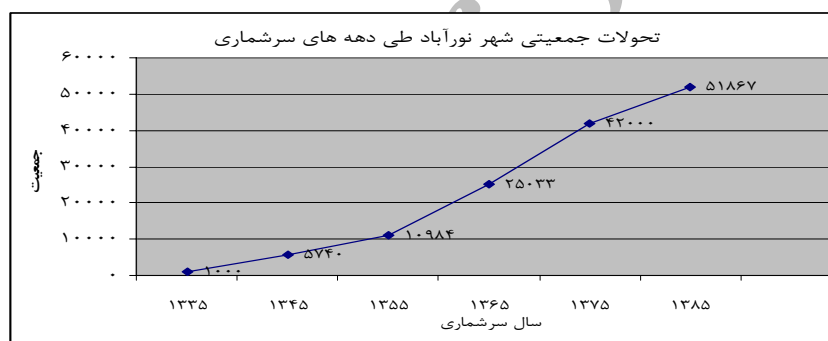
شکل شماره ۱- نقشه موقعیت روستاهای مورد مطالعه و جهت مهاجرت آنها به شهر نورآباد

جمعیت و با ادغام ۲۰ روستا و کسب هویت شهری، تنها ۶ درصد از جمعیت شهرستان در آن ساکن

شهر نورآباد در سال ۱۳۳۵ تنها ۱۰۰۰ نفر سکنه (روستایی) داشته و در سال ۱۳۴۱ با ۵۷۴۰ نفر

مرکزیت شهرستان، و اینکه نورآباد به عنوان کانون سکونتگاهی مرکزی با واقع شدن در نقطه گره‌گاهی ارتباطی ممسنی، ضمن تجمیع امکانات، خدمات و تسهیلات رفاهی - معیشتی مورد نیاز ساکنان خود، نیازمندیهای روستاهای پیرامونی خویش را فراهم نموده است. از این رو، نورآباد توانسته است با تکیه بر عملکردهای شهری زمینه‌های جذب روستاییان را چه به صورت اختیاری و چه اجباری به درون شهر مهیا سازد (شمس‌الدینی، ۱۳۸۷: ۶۶).

بوده‌اند که این میزان در سال ۱۳۵۵ با ۱۰۹۸۴ نفر جمعیت و با رشدی کند به ۸ درصد افزایش یافت. رشد شتابان مهاجرت روستاییان در طی سالهای ۶۵-۱۳۵۵ باعث گردید که نورآباد ۲۵۰۳۳ نفر و ۱۵/۵ درصد از جمعیت شهرستان را به خود جذب کند. با تداوم این روند در سالهای ۷۵-۱۳۶۵ میزان جمعیت شهر به ۴۲۰۰۰ نفر؛ و ۲۵ درصد از جمعیت شهرستان ممسنی می‌رسد (وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۷۶: ۲۱۴). در سال ۱۳۸۵ نورآباد با افزایش جمعیت نسبت به سال ۱۳۷۵ به ۵۱۶۶۸ نفر سکنه دست می‌یابد (شکل شماره ۲)، که این روند بیشتر به دلیل دارا بودن



شکل شماره ۲- نمودار روند تغییرات جمعیت شهر نورآباد طی دهه‌های مختلف سرشماری ۸۵-۱۳۳۵

۳۳۳). در دهه‌های اخیر، عقب‌ماندگی مناطق روستایی کشورهای جهان سوم نسبت به دیگر مناطق سکونتگاهی بیشتر عیان گردیده، که بعضاً این تفاوتها و نابرابریهای درآمدی و شغلی به عنوان عوامل دافعه در محیط‌های روستایی (تودارو، ۱۳۶۶) به همراه وجود فرصتهای شغلی، خدمات، فضای آزاد و دیگر عوامل جاذبه در محیط‌های شهری به مهاجرت روستاییان به سمت این مراکز منجر شده است. بنابراین، برخوردار نبودن روستاییان از امکانات مورد نیاز آنان برای ایجاد رفاه و فراهم آوردن شرایط زیست - معیشت پایدار در روستاها موجب گسترش

۲- مفاهیم، دیدگاه‌ها و مبانی نظری

۱-۲- مهاجرت‌های روستایی و دستیابی به رفاه اجتماعی

رهایی از فقر، نابرابری و به دست‌آوردن شرایط معیشتی بهتر برای زیست؛ از جمله آرمان‌های بشر به منظور ادامه حیات در عرصه فضایی هر سکونتگاهی است. از این رو، برقراری رفاه اجتماعی و توسعه در هر مکانی، مستلزم تحقق امنیت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و افزایش امید به آینده در مردم و تأمین معاش و حفظ هویت آحاد جامعه است (قاسمیان، ۱۳۸۴):

شهر فرد می‌تواند از دستفروشی شروع کند و همین - طور پیش برود. زیرا شهرها با ساختار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که دارند؛ محل تغییر و رشد هستند، اما در روستا عموماً همان زارع باقی می‌ماند (صرافی، ۱۳۸۱: ۱۴). در این زمینه نیز تحقیقات حاکی از وجود رابطه معنادار بین کسب رفاه بیشتر و مهاجرت‌های روستا - شهری است. به عبارتی دیگر، مهاجرت پاسخی به سطح متفاوت رفاه در مناطق مختلف است (طاهرخانی، ۱۳۸۰: ۶۷).

۲-۲- مهاجرت و تئوری زوال فاصله

فاصله به عنوان شاخصی مطلق و نسبی، از جمله عوامل اساسی در تعیین روابط و تعامل بین مکان - هاست (بهفروز، ۱۳۷۴: ۱۱۲). تئوری زوال فاصله بر اساس قانون اولیه جغرافیای (توبلر) استوار است که معتقد بود هر چیزی بر روی سطح زمین در ارتباط با چیزهای دیگری است. بنابراین، اجسامی که نزدیک به هم هستند، با یکدیگر بیشتر در ارتباطند (Haggett, 2001, 23). از این رو، مهاجرت و جابه جایی انسانها از مکانی به مکان دیگر تابع ارتباطات و قوانین خاص خودش است (همان: ۳۷) که برای تحلیل بهتر آن از تئوریه‌ها و مدل‌هایی که در ارتباط با نقش فاصله ارایه گردیده است، استفاده می‌شود. در این راستا، مدل جاذبه برگرفته از ایده نیوتن بر این اعتقاد است که: جریان مهاجرت بین شهرها مستقیماً به اندازه شهرهای مورد نظر و به نسبت معکوس با فاصله جدایی آنها از هم ارتباط دارد (Bastille and Dezert, 1980: 68-69). طبق این مدل، جاذبه سکونتگاه‌های مشابه بستگی به اندازه جمعیت، امکانات و فاصله این مراکز از سایر سکونتگاهها

فقر، نابرابری شهر و روستا و افزایش شکاف اقتصادی - اجتماعی میان این دو کانون سکونتگاهی می‌گردد؛ که نهایتاً این روند سبب مهاجرت روستاییان به سمت شهرها می‌شود.

بدین ترتیب؛ بر پایه نظریه محرومیت نسبی خانوارها در جهت رفاه، خشنودی، افزایش درآمد و بهبود وضعیت اقتصادی - اجتماعی خود در مقایسه با دیگر خانوارهای اجتماع (کازمی‌پور و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۳۰؛ به نقل از مِسی، ۱۹۹۰)، و همچنین با شناخت شرایط زندگی و جنبه‌های معیشتی - رفاهی و اقتصادی - اجتماعی در مکانهای سکونتگاهی مختلف و مقایسه این شرایط زیست در مقصد با مبدأ سکونت خود، تحت تأثیر جاذبه‌های شهر و دافعه‌های روستا دست به مهاجرت می‌زنند (تودارو، ۱۳۶۷: ۲۴). مطالب فوق به نحوی علل مهاجرت را بیشتر در عوامل جاذبه شهری و شکاف درآمدی بین شهر و روستا بیان می‌کند، اما روستاها به عنوان اولین جامعه پابرجای انسانی باید برای رسیدن به توسعه از زندگی سنتی خود به زندگی مدرن وارد شوند، زیرا سیاستهایی که امکان تحرک بیشتری را برای جمعیت می‌پذیرد، با سیاست ارتقای زندگی توده مردم هماهنگی بیشتری دارد (اسکلدون، ۱۳۷۶: ۱۱). چه بسا اکثر کسانی که عموماً در کشورهای در حال توسعه به شهرها مهاجرت می‌کنند، در بنیان‌های اقتصادی و اجتماعی شهر به واسطه کارآیی و توانهایی که دارند؛ وارد شده، زندگی نسبتاً بهتر و رضایتمندتری به دست می‌آورند (اوبرای، ۱۳۷۰: ۱۶-۱۷).

در این مورد آینده شهرها چشم‌انداز روشنتری نسبت به روستا به تصویر می‌کشند؛ به طوری که در

مراکز شهری اعتقاد داشت (سعیدی و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۶). در این تئوری به واسطه حدود و محدودیت‌های آستانه در هر مکانی، کالاها و خدماتی که دارای کمترین رتبه هستند، در مکان‌های بیشتری یافت و عرضه می‌شوند، اما کالاها و خدماتی که بالاترین رتبه را دارند، تنها در نقاط معدودی در دسترس هستند (مشاورین DHV، ۱۳۷۱: ۸۰-۸۱). بر پایه این نظریه؛ نقاطی به عنوان مکان مرکزی، خدمات اداری و تجاری را به حوزه نفوذ خود ارائه می‌دهد و مصرف‌کنندگان نیز برای تأمین نیازهای خود بر حسب فاصله و دسترسی به نزدیکترین کانون مراجعه می‌کنند (پاپلی‌یزدی و همکاران، ۱۳۸۱: ۱۷۸-۱۸۸). بنابراین، مکان مرکزی به نوعی بازگو کننده فاصله، دسترسی و قدرت مراکز جمعیتی در هر سلسله‌مراتب سکونتگاهی است؛ به گونه‌ای که هر چه فاصله روستاها از مراکز با رتبه بالا بیشتر باشد، قدرت جاذبه و ماندگاری جمعیت افزونتری نسبت به مراکز فرودست را دارد (حسین‌زاده‌دلیر، ۱۳۸۲: ۶۳ - ۶۱).

همچنین در تئوری مرکز - پیرامون فریدمن، هر نظام جغرافیایی شامل دو زیر نظام؛ یکی مرکز که قلب پیشتاز و پویای نظام است و دیگری پیرامون که در حالت وابستگی یا سلطه‌پذیری نسبت به مرکز قرار دارد، است (هیلهورست، ۱۳۷۰: ۲۷-۲۶). بدین ترتیب، مبادله نابرابر، تمرکز قدرت، پیشرفت و رشد اقتصادی در مرکز و تسری نوآوری‌های تولیدی از مرکز به پیرامون، موجب حفظ جریان ارزش افزوده از هسته به اطراف و وابستگی هر چه بیشتر پیرامون به مرکز می‌گردد (اجلالی، ۱۳۷۳: ۴۵-۴۶). بر این اساس، توسعه به واسطه غلبه روحیه تعقل‌گرایی، نوآوری و تحولات تکنولوژیک در شهر رخ می‌دهد و به سمت پیرامون

بستگی دارد (Bertuglia and Wilson, 1994: 23-24). این تئوری شدت حرکت و رفت و آمد انسانها به سمت مراکز جمعیتی را با فاصله و دسترسی آنها به شهرها مورد توجه قرار می‌دهد (پرهیزگار، ۱۳۷۷: ۱۲۰)، به نحوی که هر چه کانونهای سکونتی دارای مرکزیت خدماتی برتر و فاصله کمتری نسبت به دیگر سکونتگاههای پیرامون خویش باشند، دارای جاذبه بیشتری هستند (فرید، ۱۳۷۹: ۳۴۲-۳۴۳).

تئوری دیگر حلقه‌های متحدالمرکز است؛ که در آن فون‌تونن تلاش نمود تا چگونگی و چرایی تفاوت در کاربری اراضی کشاورزی را با مسافت آنها از بازار تبیین نماید (رضوانی، ۱۳۸۰: ۹۸). وی در نظر خود به یک سری دوائر متحدالمرکز اشاره و روابط شهر با حوزه نفوذ خود را در درون این دوائر بر اساس نوع استفاده از اراضی اطراف تفسیر می‌کند (فرید، ۱۳۸۲: ۵۰۴). این دیدگاه هزینه‌های حمل‌ونقل و عامل فاصله به همراه میزان دسترسی کشاورزان به مرکز تجاری شهر را از عوامل تعیین‌کننده ارتباط شهر با روستاهای پیرامون می‌داند (Timothy, 2000: 12). نهایتاً در این تئوری؛ فاصله اراضی از مرکز شهر به همراه راه دسترسی تعیین‌کننده نوع تولیدات زراعی و میزان رابطه و مراودات افراد با شهر است (شکویی، ۱۳۸۰: ۲۷۸).

از آنجایی که استقرار همه امکانات خدماتی در تمامی سکونتگاه‌ها، نه ضرورت داشته و نه از منظر عقلایی برخوردار است (Rondinelli, 1978: 115)، کریستالر سازمان فضایی خاصی را تهیه کرد که هدف از آن شرح و تبیین نظم موجود سکونتگاهها و حوزه نفوذ آنها بود. در واقع، وی به شبکه‌ای خاص و متشکل؛ از کوچکترین آبادیهای روستایی تا بزرگترین

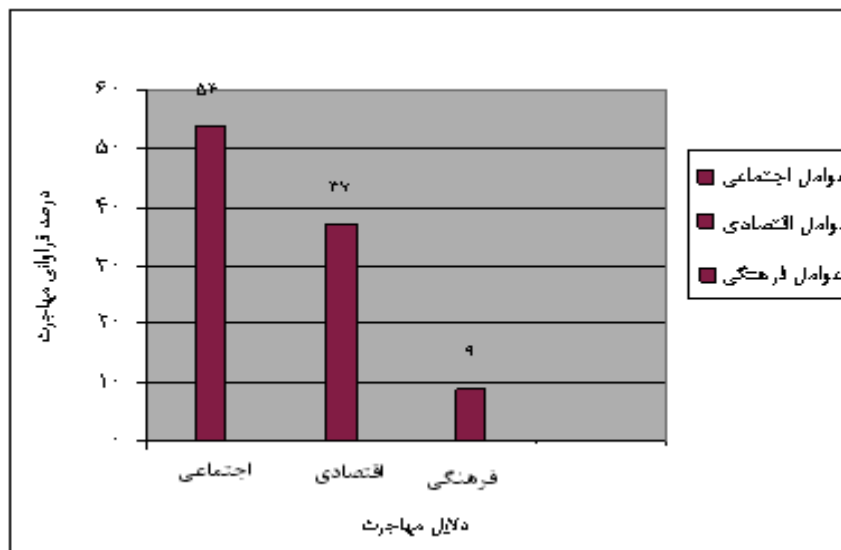
دلایل اجتماعی، از جمله کمبود خدمات و امکانات آموزشی - بهداشتی در روستای زادگاه خویش و تجمع این تسهیلات در نورآباد را مهمترین عامل مهاجرت خود ذکر کرده‌اند. همچنین ۳۹ درصد از مهاجران عوامل اقتصادی: به دست آوردن شغل جدید و درآمد مناسب و کمبود زمین زراعی در روستا را دلیل کوچ دانسته‌اند. در نهایت، عوامل فرهنگی: فشار خانواده و قابل تحمل نبودن سنن فرهنگی روستا (به خصوص برای جوانان) نسبت به دیگر دلایل، نقش کم‌رنگ‌تری در مهاجرت داشته‌اند. از این رو، وجود جاذبه‌های شهری (عوامل اجتماعی) و فرایند شهرگرایی (شهرنشین شدن) عامل اصلی مهاجرت روستاییان به نورآباد بوده است (شکل شماره ۳).

روستایی جریان می‌یابد (نظری، ۱۳۸۰: ۶۲). در نهایت، این فرایند از آن جهت که رفتارهای خاص اقتصادی را بر اساس مطلق جویی جستجو می‌کند به مهاجرت و حرکت روستاییان و جاری شدن هر چه بیشتر سرمایه‌های مادی و معنوی آنها به سمت مراکز بالا دست و شهرها منجر می‌شود (زیاری، ۱۳۸۳: ۱۶۷).

۳- یافته‌های پژوهش

۳-۱- علل مهاجرت روستاییان به شهر

برای پی‌بردن به علل مهاجرت و چگونگی وضعیت زندگی روستاییان بعد از مهاجرت به نورآباد، سؤالهایی از خود مهاجران روستایی ساکن در محلات شهر پرسیده شد. تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده نشان داد که بالغ بر ۵۲ درصد از پرسش‌شوندگان



شکل شماره ۳- نمودار علل مهاجرت روستاییان مورد مطالعه به شهر نورآباد

متغیرهایی چون فاصله از شهر، دسترسی و میزان خدمات موجود در روستاهای مهاجر فرست و وضعیت طبیعی آنان بوده است؛ با پرسش از مهاجران و پی‌بردن به مبادی کوچ آنها جمعیت سالهای

۳-۲- نقش مسافت و دسترسی در چگونگی انجام مهاجرت

با توجه به اینکه هدف از این پژوهش تحلیل مکانی از علل مهاجرت روستاییان با تکیه بر

۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ این روستاها را با مسافت، نوع دسترسی و میزان خدمات (از طریق شاخص مرکزیت) این روستاها از شهر نورآباد مقایسه نموده‌ایم (جدول ۲).

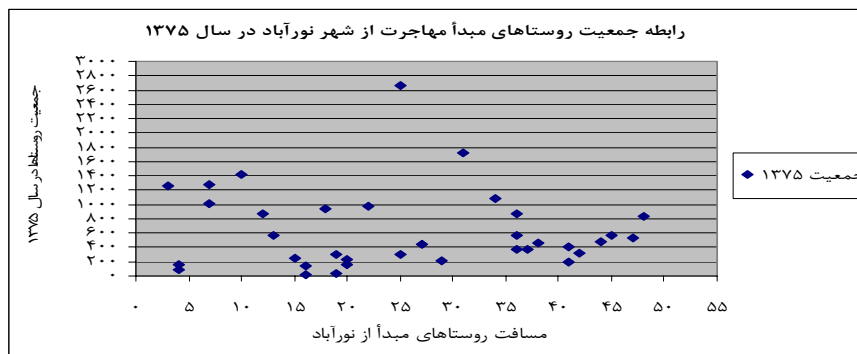
جدول شماره ۲- مسافت، جمعیت، نرخ رشد، نوع دسترسی، تعداد خدمات (شاخص مرکزیت) و موقعیت طبیعی روستاهای مورد مطالعه

ردیف	نام روستا	جمعیت ۱۳۷۵	جمعیت ۱۳۸۵	نرخ رشد	مسافت تا نورآباد km	زمان دسترسی	نوع دسترسی	شاخص مرکزیت	موقعیت طبیعی
۱	آهنگری	۹۷۷	۱۸۱۱	۶/۳۶	۲۲	۳۳	شوسه	۱۹	جلگه‌ای
۲	گوراب	۳۰۳	۲۱۷	-۶/۹	۲۵	۶۰	خاکی	۱۴	جلگه‌ای
۳	جوزار	۵۶۰	۴۲۴	-۲/۷	۳۶	۵۴	شوسه	۳	کوهستانی
۴	پودنگ	۱۵۶	۱۵۴	-۱/۲۷	۲۰	۳۰	شوسه	۱۰	کوهستانی / جلگه‌ای
۵	حجت آباد	۲۱۴	۱۹۱	-۹/۹	۲۹	۶۹/۶	خاکی	۷	کوهستانی / جلگه‌ای
۶	بابامیدان	۳۶۶۴	۳۸۹۰	۶/۹	۲۵	۲۵	آسفالته	۵۶	جلگه‌ای
۷	مهرنجان	۱۷۲۶	۱۵۴۵	-۹/۹	۳۱	۳۱	آسفالته	۵۵	کوهستانی / جلگه‌ای
۸	علیشاهی	۳۱۸	۲۷۵	-۱/۳۹	۴۲	۱۰۰/۸	خاکی	۴	کوهستانی
۹	فهلپان	۱۴۲۰	۱۲۷۶	-۹/۹	۱۰	۱۰	آسفالته	۱۰۳	جلگه‌ای
۱۰	جویجان	۱۰۸۴	۸۲۳	-۲/۷۲	۳۴	۵۱	شوسه	۳۹	کوهستانی
۱۱	پل فهلپان	۱۲۷۹	۱۲۷۴	-۰/۴	۷	۷	آسفالت	۴۷	جلگه ای
۱۲	آپتخشان	۸۶۶	۷۱۰	-۱/۸۵	۱۲	۱۲	شوسه	۴	کوهستانی
۱۳	شیرمرد	۸۹	۸۷	-۲/۲	۴	۹/۶	خاکی	۴	جلگه‌ای
۱۴	گلگون	۹۴۸	۷۹۷	-۱/۶۲	۱۸	۲۷	شوسه	۱۲	جلگه‌ای
۱۵	کوپن	۵۶۰	۵۶۸	/۱۳	۴۵	۴۵	آسفالت	۱۴	جلگه‌ای
۱۶	نوگگ	۵۴۰	۵۳۲	-۰/۳	۴۷	۷۰/۵	شوسه	۱۰	جلگه‌ای / کوهستانی
۱۷	برم سیاه	۸۴۰	۹۱۱	/۷	۴۸	۱۱۵/۲	خاکی	۱۴	کوهستانی
۱۸	دهنو	۸۷۶	۹۱۲	/۲۲	۳۶	۵۴	شوسه	۱۶	جلگه‌ای / کوهستانی
۱۹	اسلام آباد	۴۷۰	۳۹۳	-۱/۶۲	۳۸	۹۱/۲	خاکی	۲۳	کوهستانی / جلگه‌ای
۲۰	جنجان	۲۴۴	۱۹۳	-۲/۳۲	۱۵	۳۶	خاکی	۱۲	جلگه‌ای / کوهستانی
۲۱	بجکی	۴۱	۲۰	-۷/۳۹	۱۹	۷۶	مالرو	۲	کوهستانی
۲۲	مراسخون	۳۷۴	۳۸۳	۲/۲	۳۷	۸۸/۸	خاکی	۱۳	جلگ ای
۲۳	دیبه میل	۱۳۶	۱۲۵	-۹/۹	۱۶	۲۴	شوسه	۱۰	جلگه‌ای / کوهستانی
۲۴	حیدری	۲۵	۲۲	-۱/۱۵	۱۶	۳۸/۴	خاکی	۲	جلگه‌ای / کوهستانی
۲۵	بهلو	۳۰۸	۱۵۴	-۷	۱۹	۴۵/۶	خاکی	۸	کوهستانی / جلگه‌ای
۲۶	کوسنگان	۴۰۱	۲۸۷	-۳/۴	۴۱	۹۸/۴	خاکی	۸	کوهستانی
۲۷	میشان	۳۶۵	۳۱۷	-۱/۳۹	۳۶	۵۴	شوسه	۱۰	کوهستانی / جلگه‌ای
۲۸	گچگران	۱۲۶۷	۱۱۵۸	-۷	۳	۳	آسفالت	۵۴	جلگه‌ای
۲۹	کجایی	۱۶۷	۱۸۰	/۷	۴	۹/۶	خاکی	۸	کوهستانی / جلگه‌ای
۳۰	ده گردو	۴۷۲	۳۴۹	-۳	۴۴	۱۰۵/۶	خاکی	۱۲	کوهستانی
۳۱	چم گل	۵۷۴	۵۸۷	/۲	۱۳	۱۹/۵	شوسه	۲۰	جلگه‌ای / کوهستانی
۳۲	تل گر	۴۴۱	۳۶۵	-۱/۸۵	۲۷	۶۴/۸	خاکی	۲۲	جلگه‌ای / کوهستانی
۳۳	تنگ سا	۲۳۴	۱۹۴	-۱/۸۵	۲۰	۳۵	مالرو	۷	کوهستانی
۳۴	بکر علیا	۱۹۲	۱۶۷	-۱/۳۹	۴۱	۹۸/۴	خاکی	۷	کوهستانی / جلگه‌ای
۳۵	باجگاه	۱۰۱۶	۹۶۸	-۵	۷	۷	آسفالت	۲۶	جلگه‌ای
جمع	-	۲۲۱۴۷	۲۱۳۱۹	-	-	-	-	-	-

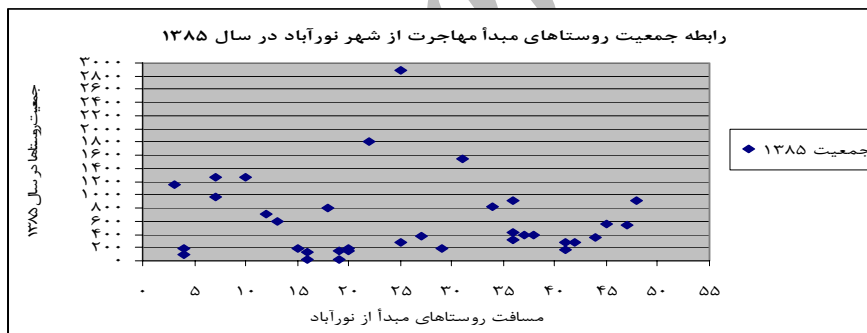
مأخذ: مطالعات میدانی بر پایه: مرکز آمار ایران سالهای ۸۵-۱۳۷۵ و فرمانداری ممسنی ۱۳۸۷.

کوچ از نورآباد؛ کمتر از میانگین فاصله (۲۵ کیلومتر) - گردد، جمعیت روستاها عموماً بیشتر شده، این رابطه با افزایش میانگین مسافت و زمان دسترسی روستاها از شهر بالعکس و جمعیت روستاها کمتر می‌شود. (شکل‌های شماره ۴ و ۵).

برای روشن‌شدن نقش و اهمیت مسافت از شهر نورآباد در تغییرات جمعیت مبادی مهاجران، رابطه بین مسافت این روستاها از نورآباد، با جمعیت سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ آنها محاسبه گردید. نتایج بیانگر این واقعیت است که هر چه مسافت روستاهای مبدأ



شکل شماره ۴- نمودار رابطه جمعیت روستاهای مورد مطالعه با مسافت آنها از نورآباد در سال ۱۳۷۵



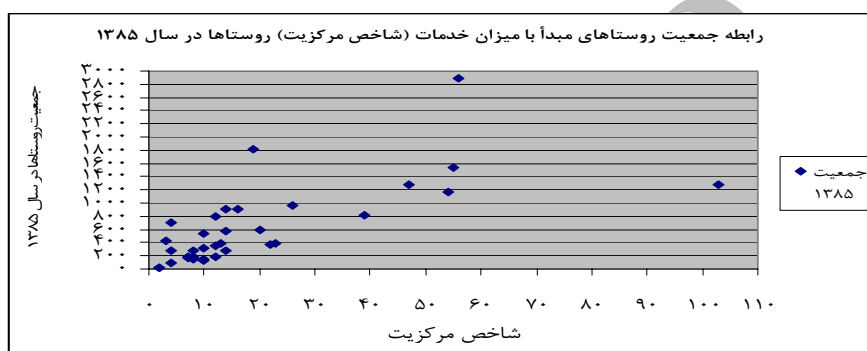
شکل شماره ۵- نمودار رابطه جمعیت روستاهای مورد مطالعه با مسافت آنها از نورآباد در سال ۱۳۸۵

مرکزیت) به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. بر پایه جدول شماره ۲، میانگین شاخص مرکزیت برای تمامی روستاها ۱۹ می‌باشد. که دامنه تغییرات آن بین ۲ تا ۱۰۳ است. از این رو، از ۳۵ روستای مورد مطالعه؛ ۲۵ روستا زیر میانگین شاخص مرکزیت و ۱۰ روستا بالای میانگین است. که « ۸ » روستا از این ۱۰ روستا جمعیتی بالاتر از ۱۰۰۰ نفر داشته‌اند.

با توجه به اینکه دلیل عمده مهاجرت روستاییان به نورآباد کمبود خدمات ذکر گردیده است، از اینرو سعی شد تا به منظور درک بهتر، رابطه بین جمعیت روستاهای مبدأ را با میزان خدمات موجود در آنها در سال ۱۳۸۵ و همچنین رابطه بین میزان خدمات با مسافت و نوع دسترسی این روستاها از شهر نورآباد نیز بررسی گردد. برای محاسبه؛ جمعیت به عنوان متغیر مستقل و خدمات (از طریق محاسبه شاخص-

شاخص مرکزیت بالاتر از میانگین برخوردار بوده اند و برعکس روستاهایی که جمعیت کمتری داشته اند از خدمات کمتری بهره‌مند بوده اند. بنابراین، عدم ارایه بموقع خدمات مورد نیاز به روستاهای مبدأ باعث کاهش جمعیت آنها از طریق مهاجرفرستی گردیده است، و عکس این موضوع در این رابطه نیز صادق است (شکل شماره ۶).

از آنجایی که میانگین جمعیت روستاها در سال ۱۳۸۵، ۶۰۹ نفر بوده است که تعداد ۲۳ روستای آن زیر میانگین و ۱۲ روستا بالای میانگین جمعیت بوده- اند، می‌توان دریافت که رابطه بین جمعیت و میزان خدمات این روستاها در سال ۱۳۸۵ رابطه‌ای مستقیم بوده است؛ به طوری که روستاهایی که دارای جمعیت بیشتر از میانگین (۶۰۰ نفر) هستند از خدمات بیشتر و



شکل شماره ۶- نمودار ارتباط جمعیت با میزان خدمات موجود روستاهای مورد مطالعه در سال ۱۳۸۵

روستا از راه ارتباطی آسفالتی برخوردار بوده اند. و از ۱۷ روستایی که پایین‌تر از میانگین مسافت بوده اند تعداد ۵ روستا دارای راه ارتباطی آسفالت بوده اند. از این رو، اکثر روستاهایی که دارای راه دسترسی مناسبتری برای رفت و آمد به نورآباد بوده اند، اکثراً دارای شاخص مرکزیت بالاتر از میانگین و بالطبع از مسافت کمتری تا شهر نورآباد برخوردار بوده‌اند (جدول شماره ۳).

با احتساب میانگین مسافت روستاها از نورآباد «۲۵ کیلومتر» و میانگین شاخص مرکزیت «۱۹» و مشخص نمودن نوع دسترسی روستاهای مبدأ به نورآباد، تحلیلها حاکی از وجود رابطه معنادار بین شاخص مرکزیت، مسافت و دسترسی روستاهای مورد مطالعه با شهر است.

به طوری که در سال ۱۳۸۵ از تعداد ۱۱ روستایی که دارای رتبه بالاتری از نظر خدمات بودند، تعداد ۶

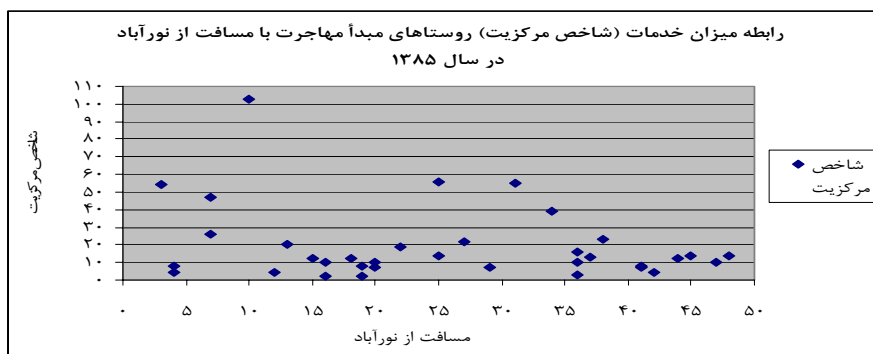
جدول شماره ۳- رابطه راه دسترسی روستاهای مورد مطالعه با میانگین شاخص مرکزیت و مسافت آنها از نورآباد

نوع دسترسی	تعداد روستاها	بالاتر از میانگین مسافت	پایین‌تر از میانگین مسافت	بالاتر از میانگین شاخص مرکزیت	پایین‌تر از میانگین شاخص مرکزیت
آسفالت	۷	۲	۵	۶	۱
شوسه	۱۱	۵	۶	۲	۹
خاکی	۱۴	۹	۵	۲	۱۲
مالرو	۳	۲	۱	۱	۲

مطالعات میدانی با اقتباس از مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵

روستاییان افزایش یافته است. از این رو، روستاهای نزدیک به نورآباد از جمعیت بیشتر و به تبع آن از خدمات بیشتر برخوردار بوده‌اند، در حالی که عکس این حالت برای روستاهای بیشتر از ۲۵ کیلومتر فاصله از شهر نیز مصداق دارد (شکل شماره ۷).

همچنین، تحلیل‌های آماری گویای ارتباط مستقیم بین مسافت و خدمات در تأیید اثر فاصله از شهر نورآباد در ارائه خدمات و امکانات از شهر به روستاها و در نتیجه مهاجرفرستی روستاهاست. به طوری که با افزایش مسافت روستاها از شهر، از تعداد خدمات آنها کاسته شده و با کاهش خدمات، مهاجرفرستی



شکل شماره ۷- نمودار ارتباط بین میزان خدمات روستاهای مبدأ مهاجرت با مسافت از نورآباد سال ۱۳۸۵

کاهش جمعیت این روستاها را از طریق مهاجرفرستی فراهم آورده است. از سوی دیگر، از تعداد ۸ روستایی که دارای نرخ رشد مثبت بوده‌اند، ۵ روستا دارای راه ارتباطی مناسب بوده‌اند. که از این تعداد؛ ۶ روستا دارای موقعیت جلگه‌ای/ کوهستانی، و ۵ روستا در مسافت کمتر از میانگین به شهر نورآباد واقع شده‌اند. (جدول شماره ۴). در کل، می‌توان نتیجه گرفت که علاوه بر مسافت، عوامل دیگری مانند وضعیت طبیعی (کوهستانی و جلگه‌ای بودن) و نوع دسترسی توأم در کاهش تعداد خدمات و در نتیجه در افزایش مهاجرت روستاییان نقش داشته است.

برای پی‌بردن به نقش متغیرهایی چون موقعیت طبیعی، نوع دسترسی و فاصله روستاهای مورد مطالعه از شهر نورآباد در تغییرات جمعیت (از طریق محاسبه نرخ رشد) و تأثیر آن در کاهش یا افزایش مهاجرت تحلیل‌های صورت گرفته نشان دهنده تأثیر مستقیم متغیرهای مذکور در افزایش و کاهش جمعیت روستاهای مورد مطالعه در نتیجه مهاجرت است؛ به طوری که از میان ۲۷ روستایی که دارای نرخ رشد منفی بوده‌اند، ۱۴ روستا دارای راه ارتباطی نامناسب بوده‌اند، که از این تعداد ۱۵ روستا دارای موقعیت طبیعی کوهستانی/ جلگه‌ای بوده‌اند؛ که این عوامل به همراه فاصله بالاتر از میانگین برای ۱۴ روستا موجبات

جدول شماره ۴- رابطه میان نرخ رشد جمعیت روستاهای مبدأ با نوع دسترسی، موقعیت طبیعی و میانگین مسافت روستاها از نورآباد

روستاها / نرخ رشد	تعداد	آسفالت	شوسه	خاکی	مالرو	بالاتر از میانگین مسافت	پایین تر از میانگین مسافت	کوهستانی/کوهستانی-جلگه‌ای	جلگه‌ای/جلگه‌ای-کوهستانی
رشد منفی	۲۷	۵	۸	۱۱	۳	۱۴	۱۳	۱۵	۱۲
رشد مثبت	۸	۲	۳	۳	-	۴	۵	۲	۶

مأخذ: مطالعات میدانی، ۱۳۸۷.

۴- نتیجه گیری

از مطالب ارایه شده در این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت: که مهاجرت خانوارهای نمونه بیشتر در جهت رفع نیازهای اجتماعی، به دلیل کمبود و نبود امکانات معیشتی - رفاهی، تسهیلات و امکانات زندگی در روستاهای مبدأ و در مرحله بعد دستیابی به فرصت کار و اشتغال و به تبع آن درآمدزایی بیشتر به نورآباد صورت گرفته است. همچنین، تحلیل مکانی از علل مهاجرت بیانگر تاثیر نقش مسافت و متغیرهای دیگری، چون میزان خدمات و نوع دسترسی و وضعیت طبیعی روستاها در مهاجرتی آنهاست. از این رو، هر قدر فاصله مبادی مهاجران از شهر نورآباد بیشتر و دارای موقعیتی کوهستانی و راه دسترسی نامناسب باشند با کاهش میزان خدمات رسانی و به تبع آن با افزایش مهاجرت و کاهش جمعیت همراه بوده- اند و بالعکس، هر چه روستاها به شهر نزدیکتر بوده و موقعیت طبیعی جلگه‌ای - اقتصادی مساعدتری به همراه دسترسی مناسبتر داشته‌اند، با بالابودن میزان امکانات و بالطبع کاهش مهاجرت و افزایش جمعیت همراه بوده‌اند.

۵- پیشنهادها

- ضرورت برنامه‌ریزی در راستای کاهش عدم تعادل‌های فضایی بین شهر نورآباد و روستاهای شهرستان؛
- تلاش در جهت تقویت و بهبود بنیه اقتصادی - تولیدی روستاهای شهرستان با تکیه بر توانمندیهای محیطی (طبیعی - انسانی) موجود در روستاها در جهت تثبیت جمعیت در این سکونتگاهها؛

- گسترش صنایع جنبی کشاورزی، صنایع کوچک و کاربر و صنایع دستی در نواحی روستایی شهرستان به همراه ایجاد فرصتهای شغلی جدید با تکیه بر کارکرد توریسم و خدمات در نواحی روستایی شهرستان؛
- تأمین نیازهای اساسی و خدمات زیربنایی - معیشتی در نواحی روستایی شهرستان؛
- توسعه‌ی خدمات بهداشتی - درمانی و آموزشی - فرهنگی موردنیاز در مراکز دهستان‌ها و گسترش نسبی آنها در سطح روستاها با در نظر گرفتن اولویتهای جمعیتی؛
- نظم‌دهی فضایی و ایجاد سلسه‌مراتبی از سکونتگاههای کانونی روستایی در ناحیه با توجه به عامل دسترسی و فاصله به منظور ارایه امکانات مورد نیاز به سکونتگاههای جمعیتی پایین دست؛
- گسترش، بهبود، مرمت و بازسازی راهها و شبکه ارتباطی مناسب بین مراکز شهری و روستاهای ناحیه؛
- تجهیز مراکز دهستان‌ها به امکانات و خدمات رفاهی - معیشتی مورد نیاز روستاییان همگام با بهبود شبکه دسترسی و ارتباطی روستاهای اقماری به این مراکز بزرگ روستایی؛
- چون اکثریت مهاجرتها متعلق به روستاهای کم جمعیت و عموماً با موقعیت کوهستانی بوده است، حتی‌المقدور تلاش در جهت ادغام روستاهای زیر ۲۰ خانوار در یک کانون جمعیتی با توجه به ویژگیهای اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی ساکنین هر آبادی.

References

- Ajlali, P, (1994) Regional Analysis and Settlements Classification; planning and budget organization, first ed. Tehran
- Arshad, F, (2001), Theoretical Bases for Present Brain Drains of Different Kind; The Institute of Iranian Sociology; No. 5 Tehran
- Azkia, M, (2005) An Introduction to Rural Development Sociology; Atala'at, fourth ed., Tehran
- Bastille, j. and B. Dezert. (1980): L'espace Urbain; Ed, Masson, Paris.
- Behforoz, F, (1995), Prevailing Themes in Human Geography; Tehran University Publisher, first ed., Tehran
- Bertuglia, C. S; and Wilson, A. G (1994): Modelling the city; Routledge: London.
- Curran, Sara R. And Estela Rivero-Fuentes (2003): Engendering Migrant Networks: The case of Mexican Migration and Demography, 40 (2)
- D.H.V. Consultants, (1992) The Strategies for Planning the Rural Centers, Translated by Javad Mir, Research Center for the Rural Problems, Jihad Sazandagi, Vol. 1, Tehran
- Faried, Y, (2000) and Principals of Human Geography, Islamic Azad University, first ed., Ahar
- Faried, Y, (2003) Geography and Urban logy; University of Tabriz, fourth Ed, Tabriz
- Ghadarmarzi, H, (2009) The Structural and Functional Changes of Sanandaj Surrounding Villages in the Process of City Spatial Extention 1978-2008; Saiedi Abbas; Ph.D Thesis in Rural Geography and Planning, Shahid Beheshti University, Geography Department, Tehran
- Ghasamiyan, S, (2005) The Poverty Reduction: Challenges and Outlooks, Social Welfare Journal No.18, University of Welfare and Rehabilitation, Tehran
- Ghasami Ardahali, A (2006) The Causes of Rural Residents Migration to the Cities In Iran: Analyzing the Postgraduate Thesis, Village and Development, Year 9, No.1, Tehran
- Hagget, P, (2001): Geography; A Global Synthesis, Prentice Hall: England.
- Halirious, G, (1991) Regional Planning; Translate by Gholam Reza Shirazyan and Others, Budget and Planning, first ed. Tehran
- Hossein Zadeh Dali, K, (2001) Regional Planning; SA, amt Publisher, Tehran
- Kazamipour, Sh and Ali Ghasami Ardahali (2007) The Residency Experience and the Tendency to Migrate to Tehran; Iran's Demography Institute, 2nd year, No.3, Tehran
- Lahasaie Zadeh, A, (1989) Migration Theories, Navid, first ed. Shiraz
- Massey, D. s (1990): Social Structure, Household Strategies, the cumulative causation For migration, population Index, 56 (1)
- Mojtahed Zadeh, A, (1998) A Geographical Analysis of Social Theories in Rur-Urban Interaction in Iran, Human Science and literature Journal, Zahadan
- Nazari A, (2001) The Role of Development Plans in Spatial Changes of Rural Settlement in Golastan Province: Gonbad kavous County, Saiedi Abbas Ph.D Thesis In Rural Geography and Planning, University of Shahid Beheshty , Geography Department, Tehran
- Obrai, S(1991)Migration, Urbanization and Development, Translated by Farhang Arshad , Kar and Ta,amin Ajtamai Organization, First ed.,Tehran
- Papoli Yazdi, M.H and Mohamad Amir Abrahami, (2002) Theories of Rural Development, Sa, amt, first ed., Tehran
- Parhizgar, A, (1998), Gravity and Accessibility Models in Urban and Regional Planning, Modaras University Journal 2nd No.8, Tehran
- Pitiyah, G, (1990), Rural Residents Migration, Translated by Mohamad

Moemani Kashi, The Organization of Publishing and Learning Islamic Revolution, first ed., Tehran

- Ramazanian, M, (2001) Labour Ageing in Iran's Agricultural Section: The Causes and Impacts, Agricultural Economy and Development Journal, No.36 pp. 207-235

- Razvani, A.A, (2001) The Rural Urban Interaction with emphasis on Iran, Payame Nor, first ed., Tehran

- Rondinelli, D.A. & K.Ruddel (1978): Urbanization and Rural Development; Newyork, preger publisher

- Saiedi ,A and Sadigheh Hosseini Hasal, (2009) The Nature of Location and settling The New Villages, Shahidi, Bonyad Maskan's Center for Rural Development, Tehran

- Sajadi, J and Rostam Hamadi, (2002) Investigation of Spatial Interaction of Hadishahr with Peripheral Population Centers for Arrangement; Earth Science Journal No.8-9, Tehran

- Sarafi, M, (2002) Internal Migration and the Urban Management Problem with Emphasis on Iran, Urban Management Journal, No.10; Organization of Municipalities, Tehran

- Shafiaie Sabat, (2008) Physio- Spatial Changes of Peripheral Villages of Tehran Metropolis with Emphasis on Agricultural Land Use Changes; Saidi Abbas, Ph.D. Thesis in Rural Geography and Planning ; University of Shahid Beheshti, Geography Department, Tehran

- Shakoie, H, (2001) Urban Geography: A New Perspective (fifth edition) Sa, amt fifth eds., Tehran

- Shamsodini, A (2008) The Role of Norabad in the Development of Peripheral Villages: case Study Central District; Tavana Ziya, a MSc Thesis in Rural Geography and Planning, niversity of Shahid Beheshti, Geography Department, Tehran

- Skeldon, P, (1997) Rural Migration to the Cities and its effect on the Rural

Poverty Reduction; Translated by Hamid Reza Vojdani, the Journal of Population Nos 37 and 338, Tehran

- Taher Khani, M (2001) the Analysis of Effective Factors in Rur-Urban Migrations; Geographical Research, No.62, Mashad

- Talab, M and Mosa Anbari, (2005) The Rural Sociology with the Dimension of Changes and Development in Iran's Rural Community; University of Tehran, first Ed., Tehran

- The Census Bureau of Iran (1956, 1966, 1976, 1986, 1996, 2006) Population and Resident Counting for Mamasani County, Tehran

- The Census Bureau of Iran (1956-2006) Population and Residential Counting for Iranian Cities and Villages; Tehran

- The Ministry of Residential and Town Planning (1997) The Master Plan of Norabad In amasani, Archives, Tehran

- Timothy. J. (2000): Economic Geography New York, John Wiley and Sons.

- Todaro, M (1987) Economic Development in The Third World, Translate by Gholam Ali arjadi, Budget and Planning Organization, Vol.1, first ed., Tehran

- Todaro, M (1988) Internal Migation in the Developing Countries, Translated by Mostafa Sarmadi and Parvin Raiasi Fard, Kar and Ta, amin Ajtamai Association, First ed., Tehran

- Yosafi, M, (2006) The Role of Distance in Spatial Changes of Peripheral Rural Settlement of City of Saveh; Case Study, The District of Nor Ali Big, Sajadi Jila Msc Thesis in Rural Geography and Planning , University of Shahid Beheshti, Geography Department, Tehran

- Zanjani, H. (2001) Migration; SA, amt, first Ed, Tehran

- Ziyari, K (2004) Schools of thought, Theories and Models in Regional Planning; University of Yazd Publisher, first ed., Yazd

Spatial Analysis of Rur-Urban Migration; with Emphasis on Distance and Accessibility: Case Study, the County of Mamasani

J. Sajadi

Assistant Professor in Geography and Urban Planning, Shahid Beheshti University, Iran

I. Ebrahimzadeh

Associate Professor in Geography and Urban Planning, Sistan and Baluchistan University, Iran

A. Shamsoddini*

Ph. D Student in Geography and Rural Planning, Islamic Azad University, Science Research Unit, Tehran, Iran

Extended abstract

1- Introduction

Ignoring the villages in the process of development plans, particularly in the developing countries caused considerable differences and socio-economic between rural and urban communities. The poverty and deprivation derived from such situation made the rural residents to migrate to other settlements such as towns and cities in order to improve their own social and economical position. This kind of movements which is due to different motivations satisfies the migrant's in small towns. The impacts of ignoring the villages in the development plans were the lack of services and opportunities as well as the lack of settlement hierarchies for the better distribution of services which led to immense rural migration. In such cases villages with further distance from the urban centers with unsuitable accessibility find their security both socially and economically in migrating to the towns and cities, where they are being considered as a more deprived residents. However this kind of migration is found in different levels of the country from national to local ones. The individual and family movements of rural residents of Mamasani are an obvious example for this claim.. As such 27 out of 35 Mamasani's villages have had negative population growth rate which ranges between -0/7 to -7/39 percent. Due to the importance and sensitivity of unplanned rural - urban migration and its rate of increase as well as its due depopulation particularly in regard to the young ones, this paper attempts to understand the factors which have been causing the rural –urban migration in Mamasani County. It also tries to focus attention on the role of distance, accessibility and services in such movements.

2- Theoretical Bases

The increase of inequality between rural and urban centers particularly in regard to income, job opportunity, services and etc. in the developing world have been acting as a push and pull factors between these centers and led to immense migration to the urban centers. In fact the lack of facilities for sustainable livelihood in the rural areas not only led to poverty and the increase of socio-economic gaps between these centers but in case of continuity causes the deserted villages. In this case distance as a physical and relative indicator can be considered as basic factors for determination of interaction and movement between these places. As a result the theoretical bases of this research are mainly based on

* Corresponding Author: Tel: + 98 917 723 4707
Department of Geography, Islamic Azad University, Marvdasht Branch

E-mail: ali.shamsoddini88@gmail.com

the gravity and distance decay Models. These models are generally based on the theory that “everything is related to everything else”. The first model is taken from Isaac Newton which throws light on geographer’s understanding of flows and movements between places. It believes that nearby things are more related. So the flow of migration between the cities is directly related to the size of the cities involved and inversely proportional to the distance separating them. These theories for justifying the volume of migration pay attention to distance and accessibility too. Accordingly settlements with more services and less distance in regard to its peripheral centers have more attraction.

3- Discussion

The analysis of data shows that the 52 percent of samples household have mainly migrated due to their social needs such as lack and shortage of welfare and livelihood opportunities in the original villages. The accessibility to job opportunities and income increase were the reason for 39 percent of the samples for migration to Norabad. For the illumination of the role and importance of Norabad in the population changes of the migrant’s origin, the relationship between distance and their population for the years 1375 and 1385 were calculated. The finding shows that those villages with distance under the median have more population and this is vice versa for those higher than median. For the better understanding of the relationship between the populations of original villages with services the centrality index were calculated. Accordingly the median for all the villages was 19 and the range of changes were between 2-103 and from 35 of villages 25 were below the mean and 8 out of 10 villages which were above the mean had a population of more than 1000 person each.

The analysis of data also shows the relationship between the unsuitability of roads with distance and the landforms on which the villages are situated with their out-migration. As such among 27 of villages with negative population growth rate 14 had an unsuitable roads and 15 from the landform point of view were mountainous- plains. on the other hand among 8 of those villages with positive population growth rate 5 had a suitable road, 6 were plain-mountainous and 5 had a distance below the mean.

4- Conclusion

The spatial analysis of the migration causes shows the role of distance and other variables such as services, means of accessibility, mountainous situation and unsuitable roads and the landform of the villages in their out-migration. Accordingly when the mountainous situation and unsuitable roads of migrants origin were added to the high distance from Norabad the result was the decline in services and consequently the increase of migration and under population of the villages. This is vice versa for those with lower distance, better accessibility and plain landform.

5- Suggestions:

The most important suggestions which can be given for the betterment of the study area is summarized as below

- *planning for the reduction of spatial inequality between Norabad and the peripheral villages by adapting the regional approach in rural development
- * Paying special attention to the role of distance and accessibility in spatial and hierarchical arrangement of rural settlements
- *extension and renewing the road networks between urban and rural centers in particulate to those villages further away from the urban centers

Key Words: Village-migration-rural migration-distance-accessibility-services-Mamesani County